

نیاز بشر به دین

www.ketab.ir

نیاز بشر به دین

غلامرضا میناگر

ناشر: انتشارات کانون اندیشه جوان

طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی

چاپ اول: ۱۳۹۰ شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ و انتشارات



کانون اندیشه جوان

سرشناسه: میناگر، غلامرضا - ۱۳۲۰.

عنوان و نام پدیدآور: نیاز بشر به دین / غلامرضا میناگر.

مشخصات نشر: تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ص ۱۹۶.

بها: ۳۰۰۰۰ ریال شابک: ۷-۸۸-۵۹-۶۰۰-۱۷۸

یادداشت: واژه نامه. یادداشت: ضمیمه.

موضوع: انسان (دین).

موضوع: انسان (اسلام).

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۸۵۵۹/۲/۲۶۶ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۲۶۶

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۰۳۵۹۴

تهران: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

۱۱ پیشگفتار

۱۳ مقدمه

۱۹ فصل اول: چیستی انسان

۱۹ نگاهی به آرای گوناگون درباره چیستی انسان. ۲۰ تفاوت نوعی انسان با ماشین و حیوان. ۲۴ تحلیل چیستی انسان بر اساس نیازهای انسانی، نظریه فطرت. ۲۵ دسته‌بندی نیازهای انسانی. ۲۸ چیستی دین. ۲۸ نیاز انسان به دین. ۳۱ نشانه‌شناسی دین حق. ۳۳ تعریف دین.

۳۵ فصل دوم: اساس نیاز انسان به دین

۳۵ ایجاد رابطه به حق با خداوند. ۳۵ ضرورت رابطه با خداوند. ۳۶ ملاک به حق بودن رابطه با خداوند. ۳۷ دین، ایجاد کننده رابطه به حق با خداوند. ۳۸ عرفان و رابطه با خدا. ۳۹ اسلام و رابطه با خداوند. ۴۱ نجات در آخرت. ۴۱ دین، نجات بخش انسان. ۴۲ علم و نجات واپسین. ۴۴ فلسفه و نجات نهایی. ۴۵ عرفان و نجات نهایی. ۴۵ اخلاق و نجات نهایی. ۴۶ اسلام، دین نجات بخش.

۴۹ فصل سوم: نیازهای معرفتی فطری به دین

۴۹ پرورش عقل و نجات از شک و تردید. ۴۹ ضرورت عقل برای انسان. ۵۰ دین، پرورنده عقل. ۵۱ فلسفه و پرورش عقل. ۵۲ رقیبان دیگر و پرورش عقل. ۵۳ اسلام و پرورش عقل. ۵۵ تعریف تفصیلی محاسن و قبايح. ۵۵ نیاز انسان به اخلاق. ۵۵ نقش دین در حل دو

مشکل اخلاق. ۵۷ علم و اخلاق. ۵۸ رقیبان دیگر برای حل دو معضل اخلاق. ۵۹ اسلام و دو معضل اخلاق. ۶۱ شناخت حقایق اساسی. ۶۱ نیاز انسان به شناخت حقایق. ۶۱ نقش دین در شناساندن حقایق. ۶۶ نقش علم در شناخت حقایق. ۶۶ نقش فلسفه در شناخت حقایق. ۶۷ نقش عرفان در شناخت حقایق. ۷۰ اسلام، نشانگر حقایق.

۷۷ فصل چهارم: نیازهای انگیزشی و گرایشی فطری به دین

۷۷ ایجاد تعهد در انسان. ۷۷ منشأ تعهد در انسان. ۷۸ اهمیت تعهد برای حیات بشری. ۸۰ نقش دین در ایجاد تعهد معقول. ۸۱ حکومت و نقش آن در ایجاد تعهد. ۸۲ سنت و فرهنگ. ۸۳ منافع شخصی. ۸۴ اسلام، مبنای معقول تعهد. ۸۷ تضمین اجرای احکام اخلاقی. ۸۷ دین، ضامن اخلاق. ۹۱ اخلاق سکولار و ضمانت اجرایی. ۹۳ اسلام، ضامن اجرای اخلاق. ۱۰۱ امیدبخشی. ۱۰۱ ارکان امید در حیات بشری. ۱۰۲ نقش دین در امیدبخشی. ۱۰۵ امیدبخشی در مدرنیسم. ۱۰۷ اسلام، دین امیدبخش.

۱۱۷ فصل پنجم: نیازهای فطری به معنا و مشروعیت زندگی و عمل

۱۱۷ معنابخشی به زندگی. ۱۱۷ مفهوم معنای زندگی. ۱۱۷ نقش دین در معنادهی به زندگی. ۱۱۹ ناتوانی علم در معنادهی به زندگی. ۱۲۲ ناتوانی فلسفه در معنادهی به زندگی. ۱۲۳ ناتوانی عرفان در معنادهی به زندگی. ۱۲۵ اسلام، دین معنابخش به زندگی. ۱۲۶ ایجاد مبنای مناسب برای حیات اجتماعی. ۱۲۶ انسان، موجودی اجتماعی. ۱۲۸ مبنای زندگی اجتماعی انسان. ۱۲۹ نقش دین در ایجاد مبنای حیات اجتماعی. ۱۳۱ حیات اجتماعی در دین اسلام. ۱۳۵ حل مشکل مشروعیت قانون و قانونگذاری. ۱۳۵ مسئله مشروعیت قانون.

۱۳۷ مفاهیم اساسی علم حقوق. ۱۳۸ دین، منشأ مشروعیت قانون.
 ۱۴۰ دلایل مخالفان حقوق دینی. ۱۵۱ اسلام، دین قانون. ۱۵۴ حل
 مشکل مشروعیت حکومت. ۱۵۴ ضرورت حکومت. ۱۵۵ مشروعیت
 حکومت. ۱۵۶ دین، منشأ مشروعیت حکومت. ۱۵۹ رابطه دین‌داری و
 حکومت دینی. ۱۶۲ اسلام، دین حکومت مشروع.

۱۶۷ فصل ششم: نیاز به دین برای تنظیم و سامان‌بخشی به زندگی دنیوی
 ۱۶۷ اهمیت نظم. ۱۶۹ تعریف نظم و نظام زندگی. ۱۷۱ دین و نظام
 زندگی. اسلام، ۱۷۴ دین زندگی. ۱۷۴ سرمایه‌های نظام زندگی اسلامی.
 ۱۷۵ ایجاد امنیت اجتماعی. ۱۷۷ ایجاد عدالت اجتماعی. ۱۷۸ ایجاد
 زمینه مشارکت عمومی در عرصه سیاست. ۱۸۰ فقه گسترده در همه
 افعال انسانی.

کتابنامه	۱۸۳
نمایه	۱۸۹
نمایه موضوعی	۱۹۳

پیشگفتار

آیا انسان معاصر در عصر مدرن به دین‌ورزی نیاز دارد؟ آیا با صعود انسان به قله‌های بلند دانش تجربی، دیگر دوران ایمان دینی به سر آمده است؟ آیا در دنیای متجدد و مدرن، دین‌داری کاری براساس خرافات، منسوخ و بیهوده است؟ آیا انسان‌ها توانسته‌اند در سایه پیشرفت‌های علمی و بهره‌گیری از خرد جمعی خود، بهشت موعود را بر پهنه کره خاکی بر پا سازند و به بهشت آسمانی نظر ندوزند؟ و سرانجام آیا انسان متجدد در رسیدن به سعادت حقیقی با اتکا به دستمایه‌های بشری خود، کامیاب بوده است؟ اینها و ده‌ها پرسش دیگر، سؤالات بنیادینی را تشکیل می‌دهند که انسان در عصر حاضر با آن روبه‌روست. به منظور پاسخگویی به این پرسش‌ها بهتر آن است که به عوامل متعدد معرفتی، اجتماعی، اقتصادی و ... که در تولید و تشدید آنچه «بحران‌های جهان معاصر» می‌نامیم، نظری بیفکنیم و از عقل‌گرایی، تجربه‌گرایی و انسان‌محوری سخن به میان آوریم و نسبت آنها را با مفهومی به نام «دین» بسنجیم. در این رهگذر باید دانست ماهیت دین چیست، مخاطب آن کیست و کارکردهای آن چگونه تعریف می‌شوند.

کتاب حاضر با دغدغه‌های یادشده و در قالب فصولی چون چیستی

انسان، اساس نیاز انسان به دین، نیازهای فطری به معنا و مشروعیت زندگی و عمل و نیاز به دین برای تنظیم و سامان بخشی به زندگی دنیوی، کوشیده است تا در حد توان خویش به واکاوی موضوع «نیاز بشر به دین» بپردازد. مرکز پژوهش‌های فکری و فرهنگی با رسالت تقدیم آثار و مکتوبات پاسخگو به نیازهای جوان امروز در عرصه مسائل دینی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، می‌کوشد ضمن حرکت در مسیر گفتمان انقلاب، شبهات وارد شده در این عرصه‌ها را رفع سازد. این مرکز ضمن تجلیل از قلم محقق گرانمایه جناب آقای غلامرضا میناگر و ارزیابان علمی کتاب، آقایان محمدعلی داعی‌نژاد و محمد هانی ایران‌منش، شور و شعف خویش را به منظور دریافت نظرها، انتقادات و پیشنهادهای شما خواننده محترم اعلام می‌دارد.

مرکز پژوهش‌های فکری و فرهنگی

مقدمه

مطالعه تاریخ پیدایش انسان روی زمین نشان می‌دهد که دین همواره در زندگی او به نحوی حضور داشته است. انسان‌ها همواره به دنبال شیوه‌ای از زندگی بوده‌اند که بتوانند گونه‌ای قداست برای آن ترسیم کنند و آن گونه زندگی را به خواست امر برتر مقدس نسبت دهند. حضور پردوام و عمیق دین در زندگی بشری نشان می‌دهد که انسان‌ها کمبود و نیازی در این زمینه در خود احساس می‌کرده‌اند که نتوانسته‌اند دین را از صحنه زندگی خود خارج کنند. بنابراین، در دین‌پژوهی طرح این مسئله اهمیت دارد که این چه نوع نیازی است که زندگی انسان را با دین آمیخته کرده و هرگونه زندگی مستقل از دین را زوال‌پذیر کرده است.

همچنین مطالعه تاریخ بشری نشان می‌دهد که در طول حیات انسان پدیده‌های متنوعی برای جایگزینی دین - چه به نحو جزئی و چه به نحو کلی - عرضه شده، اما این پدیده‌ها، چنان‌که تجربه تاریخی بشر نشان می‌دهد، جایگزین موفق‌تری برای دین نبوده‌اند. بررسی امکان وجود رقیب دین، اگرچه این رقابت جزئی باشد، مسئله‌ای فرعی اما مهم است که در کنار پرسش پیشین باید بررسی شود؛ زیرا به حق یا نا به حق تلاش‌های بسیاری هنوز هم ادامه دارد و گروهی در نهایت، علم بشری و عقل

خودبنیاد را جایگزین مناسب دین پیش‌بینی می‌کنند و نیاز به دین را نیاز ذاتی انسان نمی‌دانند.

مسئله نیاز بشر به دین، به اعتباری نخستین و اساسی‌ترین مسئله دین‌پژوهی است و در واقع پاسخ این مسئله، تعیین‌کننده موضع دین‌پژوه برای پاسخ به هر مسئله دین‌پژوهی دیگر است. از طرف دیگر، در تئوری‌های نیاز نیز این مسئله اهمیت اساسی دارد؛ اگرچه به دلیل نفوذ سکولاریسم در نظریه‌پردازان تئوری‌های نیاز، این نیاز اساسی معمولاً مغفول واقع شده است. در نظریاتی که با عنوان منشأ دین عرضه شده است، عده‌ای منشأ دین را اموری همانند توهم، خیال‌بافی و از خود بیگانگی معرفی کرده‌اند؛ اما در مقابل، برخی نیز در نظریه‌های مهمی منشأ دین را نیاز دانسته‌اند و به تحلیل این نیاز پرداخته‌اند. بنابراین، نیاز بشر به دین در بحث از منشأ دین نیز اهمیت زیادی دارد. همچنین در بحث از کارکردهای دین نیز، بررسی نیاز بشر به دین از مبادی مهم است.

البته مسئله نیاز بشر به دین گاهی به شکل انتظار بشر از دین نیز مطرح می‌شود، اما از آنجا که این عنوان جدید رنگ و بوی اومانستی دارد، در این کتاب همان عنوان اول ترجیح داده شده است.

توجه به مسئله رویکرد نیاز بشر به دین نشان می‌دهد که سه مفهوم انسان، نیاز و دین، مفاهیم بنیادی در بررسی این مسئله‌اند. بنابراین مقدمه کتاب به تحلیل این سه مفهوم اختصاص یافته است. البته از آنجا که در تحلیل هویت انسان، هویت او را متشکل از گونه‌ای خاص از ترکیب نیازها دانسته و نیاز ذاتی او به‌شمار آورده‌اند، این دو مفهوم از هم تفکیک نشده

است و علاوه بر تئوری نیازی که ارائه شده، به اعتباری، تئوری هویت انسانی را هم می‌توان از آن اخذ کرد.

همچنین، از آنجا که در تحلیل نیازهای انسان، دیدگاهی حقیقت‌گرایانه اتخاذ شده و دین را پاسخی حقیقی به نیازی واقعی دانسته‌ایم، برخلاف جامعه‌شناسان یا مردم‌شناسان، تنها دین واقعاً پاسخگو به نیاز را مد نظر قرار داده و دین حق را تعریف کرده‌ایم و در واقع موضع‌گیری خود را به روشنی نشان داده‌ایم. همچنین منبع معرفت دینی را نیز به وحی و متون دینی منحصر نکرده و عقل نیز منبع معرفت دینی تلقی گردیده است.

راهبرد مورد نظر در تألیف

● چنان که در مقدمه کتاب آمده است، نیاز بشر به دین، نیازی فطری دانسته شده و بنابر تفسیر فطرت به شیوه خاص هستی انسانی، نیاز به دین، نیاز ذاتی هستی انسانی معرفی گردیده است. در این کتاب، نظریه‌های دیگر نیاز بشر به دین بررسی نشده و به جای آن، همه فصول کتاب به شرح و تفسیر همین نظریه اختصاص یافته است تا ابعاد گوناگون نیاز بشر به دین روشن شود و خواننده در پیچ و تاب نقد و بررسی نظریه‌های متعدد گرفتار نشود.

● در فصول کتاب در ذیل بررسی هر مورد از نیازهای فطری انسان به دین، سعی گردید تا خواننده محترم متوجه این نکته شود که دین حق برآورنده مناسب آن نیاز است. در هر فصل تلاش ما تمسک به استدلال عقلی است، اما در مواردی به دلیل پیچیدگی یا مفصل بودن مقدمات استدلال عقلی، بر دانسته‌های ذهنی خواننده محترم تکیه گردیده و به استدلالی اقناعی، بسنده

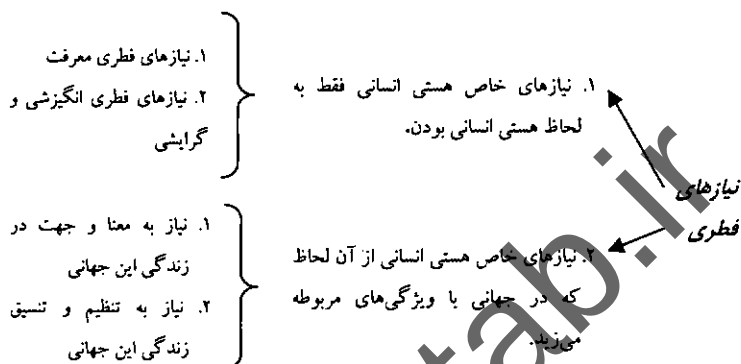
کرده‌ایم. مجموعه این گفتارها محتوای اصلی این کتاب را دربر می‌گیرد.

● در بیشتر فصول نویسنده سعی نموده تا نشان دهد آنچه به عنوان جایگزین دین برای برآوردن نیازی فطری عرضه شده است، توان رقابت با دین را ندارد. در این فصول، از فلسفه، عرفان، علم و فرهنگ و امور دیگری نام برده شده است. اما خواننده محترم باید توجه کند - چنان که در فصول مربوطه نیز به تکرار یادآوری شده است - منظور در این بحث، فلسفه، عرفان و فرهنگی است که در مقام رقابت با دین باشد؛ نه فلسفه، عرفان و فرهنگی که در داخل دین رشد یافته و به اعتباری جزئی از دین محسوب می‌شوند.

همچنین، منظور از علم نیز به طور دقیق علمی است که پس از رنسانس در غرب پا گرفت و بزرگ‌ترین دستاورد مدرنیته به شمار آید و رقیب دین معرفی شد. به هر حال، در این گفتارها نیز از استدلال‌های پیچیده و تحلیل‌های مفصل پرهیز شده است تا خواننده دچار خستگی نشود؛ اگرچه در این گفتارها بیشتر ناگزیر شده‌ایم تا به اقناع بسنده کنیم.

● در همه فصول، گفتاری در انتها آورده شده تا نشان داده شود، اسلام دینی است که به نیاز فطری مورد بحث توجه دارد؛ اگرچه در این گفتارها هدف ما تنها نشان دادن صرف توجه اسلام به نیاز مزبور است و نه اثبات پاسخگویی اسلام به آن نیاز. گاهی نیز در مواردی سعی براین بوده تا به سمت اثبات پاسخگویی اسلام به آن نیاز نیز پیش رویم.

● الگویی که برای تقسیم نیازهای فطری انتخاب شده است، به شکل زیر است:



سپس دو نیاز خاص را به جهت اهمیت از ذیل این الگو خارج کردیم و آن را بر اساس نیاز بشر به دین مورد بحث قرار دادیم. از هر یک از چهار قسم نیاز فطری نیز چند مورد مهم را بررسی کردیم. البته اذعان داریم نه تنها حصر تمام نیازها بررسی نشده است، بلکه حتی به همه نیازهای مهم نیز پرداخته نشده است. برای مثال، از بیان نیازهای فطری معرفتی، به شناخت زیبایی یا زیبایی مطلق هیچ اشاره نشده است یا از میان نیازهای فطری غیر معرفتی، به اعتماد به نفس یا عزت‌مندی نپرداخته‌ایم. عذر ما در این موارد این بوده که به هر حال حجم این کتاب نباید از حدی متعارف فراتر می‌رفت و البته همه چیز را همگان می‌نویسند!